

همنام گل های بهاری

سر شناسنامه: سیدی، حسین، 1343

عنوان و نام پدیدآور: همنام گل های بهاری: نگاهی نو به زندگی و شخصیت پیامبر گرامی (ص) / حسین سیدی،

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف، 1392

مشخصات ظاهری: 240 ص

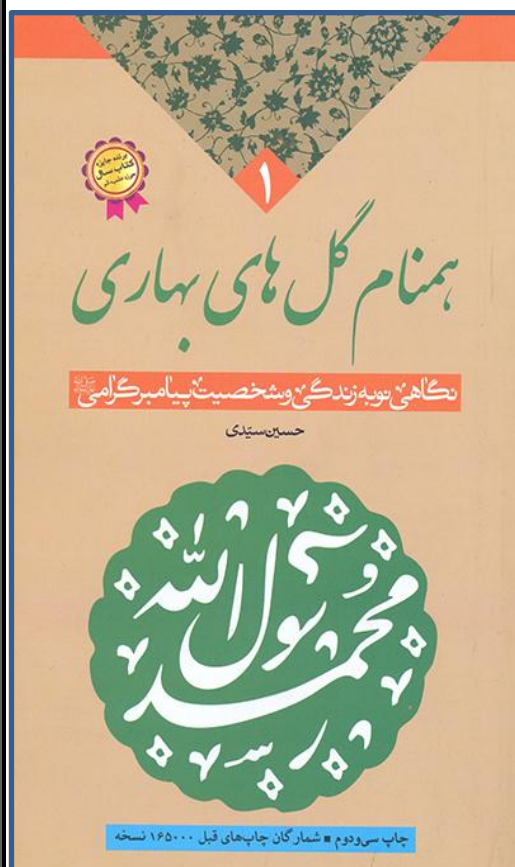
شابک: 978-964-531-644-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها. دفتر نشر معارف

شماره کتابشناسی ملی: 3220634



اشاره

قطره، چگونه حکایت اقیانوس را بگوید؟

شب، چگونه سحر را نقاشی کند؟

دره، چگونه چکاد آسمان سای را بسراید؟

و خار سیاه، چگونه داستان غنچه آتش رخ را بازگوید؟

من، قطره دانشم و تو اقیانوس؛ من، شب خجلتم و تو سحر سرافرازی؛ من، دره تهی ام و تو چکاد سرشاری؛ من، خار سیاهم و تو غنچه شکوفای انسانیتی؛ چگونه تو را بسرایم، جز آن که با زبان اشک احساس خویش را بیان کنم که «کلیم کاشانی» گفته است:

دیده عزیز است از سرشک جگرگون

قیمت خاتم، به اعتبار نگین است

نه ماه در لابه لای پانصد کتاب به دنبال عطر وجودت دویده ام. گاه از شوق شکفتم و گاه از دریغ شکستم؛ و پس از آن همه، امروز برابر ضریحت نشسته ام؛ در پنج یا شش متری مزاری که آفتاب را در آغوش کشیده است. با هراس از گزمگان چغیه به سر، بی صدا اشک می ریزم و با هراس بر این کاغذ سپید، نقش احساس خویش را می زنم. دریغ و درد، دلم را مچاله می کند وقتی همه ی وجودم چشم می شود و دزدانه از لابه لای ضریحت نگاه می کنم و انبوه خاک و غبار را می بینم که قبرت را فرا گرفته است؛ آیاروزی اجازه خواهند داد تا با مژگانمان آن را بزداييم و چشمان غبار عشق را سرمه کشد؟

اینک، برابرم خفته ای؛ آه؛ نه؛ که تو بیداری و ما خفته در بستر غفلت.

چشمانت هنوز نگران جاهلیت قرن بیست و یکم است.

عزیزا؛ ما را از شب جهل به سپیده دانایی مهمان کن.

دستان آلوده ما را بگیر و راه و رسم «چگونه زیستن» و «چگونه مردن» را به ما بیاموز.

آفتاب وجودت را بر ما بتابان، تا یخ های خودخواهی ما را ذوب کند.

مرداد یکهزار و سیصد و هشتاد و دو خورشیدی

مدینه- مسجد النبی

حسین سیدی

فصل اول

خویشتن

الف: سیمای ظاهری

آراستگی

آقایان

- به مردی فرمود: موی سر و سیمای خویش را اصلاح کن؛ این کار بر زیبایی ات می افزاید .
- می فرمود: وقتی محاسن را در مشت گیرند، هرچه از مشت بیشتر باید کوتاه شود. پیامبر اصلاح گونه ها را نیز مستحب اعلام کرد.
- چیدن مو از بینی را مستحب اعلام کرد و فرمود: شارب و موی بینی خود را بچینید و خود را بر این کار ملزم کنید. این کار بر زیبایی شما می افزاید.
- شانه زدن موی بلند را مستحب برشمرد. فرمود که شانه زدن برای هر نماز-مستحب و واجب -پاداش دارد.
- از مردان خواست ناخن هایشان را کوتاه کنند.

بانوان

- به بانوان اجازه داده بود موی سرشان را رنگ مشکی بزنند.
- به بانوان و حتی دوشیزگان فرمان داده بود دستان خویش را با حنا خضاب کنند، خانم ها برای آراستگی پیش شوهران و دوشیزگان برای اینکه دستانشان همانند مردان زمخت نباشد.
- گرفتن موی بینی را مستحب برشمرد.
- شانه زدن مو را برای هر نماز پاداش اعلام کرد.
- از خانم ها می خواست ناخن هایشان را بلند کنند و آن را زینت و آرایش می دانست.

همه

- راوی می گوید: نزد پیامبر گرمی با لباس ژولیده نشسته بودم. حضرت از من پرسید: دارایی داری؟ عرض کردم آری ای فرستاده خدا، از هر نوعش دارم. فرمود: هنگامی که پروردگار به تو دارایی می دهد، باید تاثیرش در زندگی تو دیده شود.
- موی بلند، پوشش خداوندی است؛ پس آن را گرمی بدارید.

بهداشت دهان و دندان

- هیچ گاه جبریل نزد من نیامد , جز آنکه مرا به مسواک سفارش فرمود.
- ای علی, با هر وضویی که برای نماز می گیری مسواک بزن.
- محبوب ترین دهان نزد پروردگار , خوشبوترین دهان است؛ پس تا می توانید دهانتان را خوشبو کنید.
- هر شب سه بار مسواک می زد: قبل از خواب, بعد از بیدار شدن و پیش از رفتن به مسجد برای نماز صبح.
- دندان هایش را خلال می کرد و می فرمود: خلال کردن دهان را خوشبو می کند.
- تا مسواک نمی زد نمی خفت.
- در مسواک زدن دوازده فایده است: پاکیزگی دهان, خوشنودی آفریدگار, سپیدی دندان ها, نابودی کرم, کاستی بلغم , اشتها آوری, افزون شدن نیکی ها, سنت پذیری, حضور فرشتگان و استحکام لثه ها... .
- دندان هایتان را خلال کنید, برای فرشتگان چیزی منفرتر از آن نیست که در دندان های کسی باقیمانده غذا را ببینند.

بهداشت بدن

- می فرمود: هرگاه یکی از شما در شکم خویش صدایی یافت, به دستشویی برود. نگاه داشتن خود , باعث بیماری می شود. اگر یکی از شما نیاز به دستشویی داشت ,به دستشویی برود.
- تیمم با خاک کوچه و بازار را , خوش نمی داشت.
- فرمود که گرداندن آب در دهان و بینی پیش از وضو مستحب است. نیز می فرمود: این را بسیار انجام دهید. زیرا باعث آمرزش شما و گریز شیطان می شود.
- هماره سرش را با سدر می شست.
- از غذا خوردن با دست چپ نهی می کرد.
- از اینکه افراد برای مدت طولانی در معرض تابش پرتوهای آفتاب-آن هم پرتو سوزاننده خورشید عربستان-قرار گیرند. جلوگیری می کرد و می فرمود: آفتاب چهار ویژگی (منفی غیر از ویژگی های مثبت) دارد:

رنگ ها را دگرگون می کند

بوی خوش را تبدیل به بوی بد می کند

پارچه ها را می فرساید

قرار گرفتن طولانی در برابر آن بیماری می آورد.

- می فرمود: معده , خانه ی بیماری است و خویشتن داری, سرور هر داروست.
- به هر بدنی آنچه را که بدان عادت کرده است بدهید.
- آب جوشانده , برای همه چیز سودمند است و هیچ ضرری ندارد.
- می فرمود: آفریدگار از کسی که هم نشینش بینی خود را از بوی بد او می گیرد , نفرت دارد.
- می فرمود: هرچقدر می توانید پاکیزه باشید؛ زیرا یزدان , اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاد و جز انسان های پاکیزه , کسی به بهشت نمی رود.

بهداشت محیط

- جارو زدن و پاکیزه کردن حیاط را مستحب اعلام کرد.
- رها کردن ظرف های ناشسته را ناخوش می شمرد.
- اجازه نمی داد افراد، کنار آب آشامیدنی، زیر درخت میوه دار، میان قبر ها، در جاده ها و حیاط خانه ها قضای حاجت کنند.
- همواره دستور می داد تا هفت چیز آدمی را در خاک دفن کنند: مو، ناخن، خون، خون حیض، زهدان، دندان، علقه.
- هنگامی که آب دهان بر زمین می افکند، روی آن را با خاک می پوشاند.
- چون خمیازه می کشید دستش را در برابر دهانش می نهاد.
- فرمان داده بود کسی در چاهی که آب آشامیدنی دارد، آب دهان نیفکند.
- در جنگ ها هرگاه به جنازه ای بر می خورد، دستور می داد آن را دفن کنند و نمی پرسید مسلمان است یا کافر.

پوشاک

- از میان جامه های گوناگون، پوشیدن پیراهن را بیشتر دوست می داشت
- هنگامی که هیاتی بر او وارد میشدند، هم خود زیباترین لباسش را می پوشید و هم مهتران اصحابش را به این کار دستور می داد.
- همواره لباسش پاکیزه بود، می فرمود: از عوامل ارجمندی مومن نزد آفریدگار والا، پاکیزگی لباس اوست.

آداب

- چون لباسی نو می یافت، آن را روز جمعه می پوشید.
- برای رد.
- روز جمعه، دو لباس ویژه داشت

نوع

- بی آن که خود را پایبند به نوع خاصی از پوشاک کند همه نوع آن را می پوشید: شلوار، پیراهن، لباس گشاد و بلند روی تن پوش.
- لباس جلو باز را در نبرد و غیر آن می پوشید.
- بسیاری از اوقات، کسا بر تن می افکند و جز آن چیزی نمی پوشید.
- جز هنگام بیماری لباس مویین و پشمین نمی پوشید.

جنس

- محبوب ترین تن پوش برای او، لباس پنبه ای یا کتانی بود.

رنگ

- در پوشیدن لباس، افزون بر طهارت دینی، به رنگ و پاکیزگی آن نیز اهمیت می داد.

سبز

- از لباس سبز رنگ خوشش می آمد. لباس جلو باز سبز می پوشید که رنگ سبز آن به پوست سپیدش می آمد.
- برخی گفته اند که به رنگ سبز بیش از هر رنگی علاقه داشت.

سفید

- بیشتر لباسهایش سپید بود.

عمامه

- عمرو بن حریث می گوید: پیامبر را دیدم ، با عمامه ای مشکی که گوشه اش را میان شانه هایش آویخته بود.
- عمامه ای بنام (سحاب) داشت که از امام علی (ع) هدیه گرفته بود. بسیار می شد که بی عمامه بود، اما پارچه ای بر سر و پیشانی می بست. گاه بی آن که کلاه بر سر گذارد، عمامه بر سر می گذاشت. عمامه اش سه یا پنج دور پارچه ای بود که بر سر می پیچید. بسیار می شد که در سفر یا جز آن ، عمامه اش از خز مشکی بر سر می بست.

خفتن

- به طور معمول در آغاز شب می خفت و در فرجام آن برمی خاست و گاه برای انجام دادن کار مردم، شب زود نمی خوابید.
- چون می خفت، بیدارش نمی کردند تا خود بیدار میشد.
- هنگام خفتن دست راست را زیر گونه ی راست می نهاد.
- هرگاه از خواب برمی خاست، پروردگار را سجده می کرد.

خوردن

عایشه می گوید: شکم پیامبر (ص) هرگز سیر نشد. منظور عایشه « آکندن شکم از غذاست » به گونه ی مردمان عادی بر سر سفره های رنگین . تا به حلقوم خوردنی که معده را سنگین می کند ، بدن را می فرساید، بی حالی و خواب آلودگی و تنبلی می آورد، حال نیایش را از آدمی می رباید و ...

میوه

- محبوب ترین میوه ها برایش میوه های آبدار همانند خربزه و انگور بود.
- می فرمود: میوه های نو بر بخورید و بهترین آنها انار است و ترنج.
- انار را سرور میوه ها می دانست و آن حضرت وقتی انار می خورد کسی را با خود شریک نمی کرد.

خوش بویی

- اگر کسی از راهی که او گذشته بود می گذشت، از بوی خوش باقیمانده در فضا می فهمید که رسول گرامی از آنجا عبور کرده است. اگر بر سر کودکی دست می کشید، بوی خوش دستش بر موی کودک می ماند. عطری را که بر او هدیه می دادند رد نمی کرد.
- خوشبویی با مشک، گالیله، عنبر و بخور با عود قماری و گیاه کست را مستحب برشمرد.
- می فرمود: گلاب زدن بر آبرو و محبوبیت آدمی می افزاید.
- از ابتدای تولد بوی بد از وی بر مشام نرسید.
- می فرمود: بهترین بندگان خدا آن هایی هستند که ... خوشبویند.

در خانه

- در خانه اش خجول تر از دوشیزگان بود، از اهل خانه نه غذایی می طلبید و نه علاقه اش به خوردنی ها را ابراز می کرد. اگر غذایی می دادند می خورد. آنچه می دادند را می پذیرفت؛ و آنچه نوشیدنی می دادند را می نوشید؛ چه بسا خود برای خوردن و نوشیدن برمی خاست.
- در خدمت کارهای خانه بود و در تکه تکه کردن گوشت با اهل خانه همکاری می کرد.
- چون به منزل می آمد وقت خود را به سه قسمت تقسیم می کرد: بخشی برای خدا، بخشی برای خانواده و بخشی برای خود. آن ساعت را که به خود اختصاص داده بود بین خود و مردم تقسیم می کرد. ابتدا خواص را به حضور می پذیرفت و بعد هم با عموم ملاقات داشت. در نتیجه، آن ساعت هم که خاص خود آن بزرگوار بود در اختیار یاران و اصحابش قرار می گرفت.

راه رفتن

- با یارانش که راه می رفت، اصحاب پیشاپیش او راه می رفتند و او در پی آنها میفرمود: پشت سرم را برای فرشتگان بگذارید.
- چون راه می رفت به این طرف و آن طرف نگاه نمی کرد.
- راه رفتنش چنان بود که هر کسی او را میدید، میفهمید که آن حضرت خسته و ناتوان نیست.

سفر

- هنگامی که سفر می رفت پنج چیز به همراه داشت: آینه، سرمه دان، مدری، مسواک، شانه
- در سفر کار می کرد و آن را ارزش میدانست.

سکونت گاه

- خانه ی کوچک و همسایه بد را نامبارک میدانست .
- مردی از انصار نزد او لب به شکایت گشود که خانه ها او را محاصره کرده اند و منزلش کوچک است. حضرت فرمود تا می توانی صدایت را بلند کن و از خداوند بخواه تا در های رحمتش را بر تو بگشاید.

لبخند زدن و خندیدن

- عبدالله بن حارث زبیدی می گوید: کسی را ندیدم که بیش از رسول خدا لبخند بزند .
- هرگاه سخن می گفت تبسم بر لب داشت.

نگارش

- بر نوشته ها مهر میزد و میفرمود: مهری که بر نوشته باشد بهتر از تهمت است.
- از قلم تجلیل می کرد و می فرمود: قلم نعمت بزرگ از سوی پروردگار است و اگر قلم نبود حکومت و آیین برقرار نمی شد و م زندگی شایسته ای سامان نمی گرفت.

نگاه

- چون می خواست به پشت سر بنگرد با تمام بدن برمی گشت.
- نگاهش فروخته و نظرش به زمین بیش از آسمان بود و هیچگاه به تندی به کسی نگاه نمی کرد.

نوشیدن

- نوشیدن آب شیرین را دوست داشت .
- آب را با مکیدن می نوشید و یکباره نمی بلعید.
- در آبی که می خواست بنوشد نفس نمی کشید بلکه صورتش را از آن برمی گرداند نفس می کشید.

ب: سیمای حقیقی

ادب ورزی

- وقتی به در خانه کسی می رفت ، چون خانه ها گاهی در یا پرده ای نداشتند در آستانه نمی ایستاد، طرف راست یا چپ آن می ایستاد و می فرمود: سلام بر شما. سلام بر شما
- به کسی دشنام مده . اگر دیگری به تو به دروغ دشنام می داد ، تو او را به چیزی که می دانی بد دهن نکن، که در این صورت پاداش از آن دوست و گناه از آن او.

امانت داری

- پیش از طلوع خورشید اسلام و پس از آن میان دشمنانش به امین شهرت داشت . خود می فرمود: سه چیز است که پروردگار اجازه شکستن آن را به کسی نداده است: ...باز پس دادن امانت به صاحبش که نیکوکار باشد یا گناهکار.

دشمنانش در مکه ، حتی پس از اعلام پیامبری همچنان نفیس ترین اشیا خود را نزدش امانت می گذاشتند و تردیدی به خود راه نمی دادند که مبادا او اموالش را مصادره و به نفع آیین خود خرج کند. از همین روی پس از هجرت ، از امام علی (ع) خواست چند روز در مکه بماند و امانات را به صاحبانش پس بدهد.

- خود فذموده بود امانت را به کسی که تو را امین قرار داد باز پس بده و به کسی که به تو خیانت کرد ، خیانت مکن .

بردباری (حلم)

- می فرمود: آدمی با بردباری به مقام انسان روزه داری می رسد که شب ها را به عبادت می گذراند.

بزرگواری

- امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: پس به پیامبر پاکیزه اقتدا کن که مایه ی فخر و بزرگی است، برای کسی که خواهان بزرگواریست.
- هرگز به خاطر خودش از کسی انتقام نگیرد
- بزرگوارترین فرد قبیله خود بود

پارسایی

- پیامبر از جان و دل به دنیا پشت کرد و یاد آن را در دلش می راند
- دوست می داشت که زینت های دنیا از چشم او دور نگه داشته شوند تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد یا اقامت در دنیا را آرزو نکند.

پوزش پذیری

- می فرمود : کسی که پوزش عذر خواه را نمی پذیرد چه پوزشگر راستگو باشد و چه دروغگو ؛ به شفاعت من نمی رسد.
- کسی بیش از آفریدگار عذر نمی پذیرد

حق گرایی

- در شادمانی و خشم جز حق نمی گفت
- در دسته ی شمشیرش نوشته بود: ...حق را بگو، گرچه در ظاهر به زیان تو باشد

حیا و رزی

- خود در تشویق مردم به حیا می فرمود : ایمان عریان است و تن پوش آن شرم.
- می فرمود : کسی که از مردم شرم نکند از خداوند والا شرم نخواهد کرد و چنان شرم داشت که به چهره کسی خیره نمی گشت.
- شرم آن حضرت چندان بود که اگر ناگزیر به انتقاد از کسی بود به صراحت نمی گفت و مقصود خویش را با کنایه بیان میکرد.

خاموشی

- می فرمود : خداوند بنده ای را بیمارزد که سخن نیکو گوید و بهره ای ببرد ، یا خاموش ماند و سالم ماند.
- خاموشی زینت دانا و پرده ی نادان است.

خرد و رزی

- آن حضرت در رفتار و سخنان خود به اندیشه ارج می نهاد و می فرمود: مایه ی آدمی خرد اوست و کسی که بی خرد است دین ندارد.

خشم

- جز برای آفریدگار خشمگین نمیشد و چیزی نیروی ایستادگی در برابر خشم وی نداشت.
- می فرمود: از محبوب ترین راه های نزدیکی به خداوند والا، دو جرعه است: جرعه خشمی که با بردباری آنرا فرو میخوری و دیگری جرعه ی ناگواری که با شکیبایی آن را باز میگردانی.

خوشبختی

- مسلمانی خوشبخت است که:

فرزندش در چهره و انجام دستورات دینی همانند خودش باشد

همسری زیبا و دیندار داشته باشد

رهواری نرم داشته باشد

و خانه ای بزرگ

خوش خلقی

- در ترازوی عمل کسی در روز قیامت چیزی بهتر از خوش خولقی گذاشته نمی شود..

دانشوری

اهمیت دانش

- کسی که بی دانش دست به کار می زند، تباه کردنش بیش از چاره کردنش باشد.
- کار اندک با دانش سودمند است ؛ و کار بسیار بی دانش بی بهره

آداب

- امام صادق(ع) از حضرت نقل می کنند که فرمود:

هرگاه نزد آموزگاری و یا در مجلس دانشی نشستید ، پشت سر یکدیگر به نظم بنشینید و پراکنده ننشینید؛ آنگونه که عرب های جاهلی می نشستند.

- دانش را با نگارش به بند بکشید.
- خوب پرسیدن ، نیمی از دانش است

شیوه های آموزشی

- برای بیان مقصود خویش، تنها به گفتار بسنده نمی کرد، بلکه از دیگر شیوه ها و ابزار های آموزشی بهره می گرفت که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

(الف) یکی از آن راه ها، کمک گرفتن از اعضای بدن همراه با گفتن بود. به قول امروزی ها حضرت به شیوه ی (سمعی و بصری) به بیان نکته مورد نظر خویش می پرداخت.

(ب) گاهی برای تاکید ، شی ممنوع را به دست می گرفت و به مردم نشان می داد و می فرمود : این حرام است. تا بعد ها کسی ادعا نکند که اشتباه فهمیده است.

(ج) گاه برای آنکه مخاطب را به نتیجه ی مورد نظر خود برساند ، پرسش هایی می کرد که از اندیشه و قلب پاسخ دهنده جواب می گرفت، بی آنکه در وضعیت بحرانی مخاطب ، از آیاتی که بیان کننده حرام بودن آن کار است ، بهره ای گیرد.

(د) بهره گیری از مقایسه یکی دیگر از شیوه های آموزشی ایشان بود. مثلا:

هنگامی که گروهی از ایشان پرسیدند : چرا باید به مردی که با همسرش آمیزش میکند پاداش دهند؟

پاسخ فرمود: آیا اگر این مرد شهوت خویش را در راه ناروا اعمال می کرد. بر او کیفر نمی نوشتند؟ پس استفاده از این نیرو در راه حلال نیز باید پاداش داشته باشد.

(ه) یاری گرفتن از تشبیه و همانند سازی ، آسان ترین روش برای فهماندن مطلب به مخاطب در هر سطحی است. حضرت می فرمود: دین باوری که قرآن می خواند ، همانند ترنج است ؛ بویی خوش و طعمی خوش دارد.

مومنی که قرآن نمی خواند ، مانند خرمایی است با طعمی خوش ، اما بی بو.

تشویق به فراگیری زبان خارجی

زید بن ثابت می گوید: پیامبر (ص) به من فرمان داد تا زبان یهودیان را بیاموزم. پس از فراگیری این زبان، هم نامه های او را به یهودیان می نوشتم و هم نامه های یهودیان به او را برایش می خواندم.

دلیری

- در مدت ده سال اقامت در مدینه حدود بیست و هفت نبرد را خود فرماندهی کرد.
- شبی در مدینه صدایی هراسناک شنیده شد مردم به سوی جایی که صدا از آنجا برخاسته بود شتافتند اما در میان راه به رسول گرامی برخوردند که به خانه برمی گشت و پیش از آنها به آنجا رفته بود.
- در نبرد خندق شجاعت ایان به حدی بود که پاسداری از رخنه ای که احتمال می رفت مشرکان از آن نفوذ کنند به عهده گرفت.
- می فرمود: برترین جهاد سخن حق گفتن در برابر پادشاه ستمگر است.

دور اندیشی

- دور اندیشی همزاد خرد است، و او که عقل کل بود دور اندیش ترین انسانها بود. پیش از انجام هرکاری پیامدهای آن را می سنجید و می فرمود کسی که به فرجام ها بنگرد از ناگواری ها در امان ماند.

راستگویی

- راستگویی مایه آرامش است و دروغ مایه تشویش
- هر که راستگوتر باشد حرف مردم را زودتر باور میکند و هر که دروغگوتر است بیشتر مردم را دروغگو می شمارد.

رهبری

- در مقام قافله سالار بشریت همواره مراقب حرکت قافله به سمت قله ی نیکی ها و ارزش ها بود و لحظه ای از کاروان غافل نمی شد، مبدا که جامعه در سرایشی ضد ارزشها راه سقوط ببیماید. امام علی (ع) می فرماید: از غفلت و کج روی مردم لحظه ای غافل نمی شد.

نیکی را نیکو می شمرد و تقویت می کرد و زشتی را زشت می شمرد و تضعیف می فرمود.

شادمانی

- چون از چیزی خوشش می آمد سیمایش بسان قرص ماه روشن می شد.
- وقتی خبری شادی آوری به او می رسید سجده شکر می کرد.
- چون شاد میشد پلک هایش را بر هم مینمود.

شکیبایی

- برای خدا و در راه او چنان آزار دیده ام که هیچکس چنین آزاری ندیده است.

عدالت ورزی

علی(ع) می فرماید: پیامبر به خانه ما آمد . من در بستر آرمیده بودم. حسن گفت: تشنه ام. پیامبر برخاست و به طرف گوسفند شیرده ما رفت که اندکی شیر داشت. آن را دوشید. حسین نیز آمد و شیر خواست. اما حضرت بدو نداد. فاطمه (ع) گفت: گویا حسن را بیشتر دوست داری؟ حضرت فرمود: نه. اما او پیش از حسین خواسته بود. سپس ادامه داد : من، تو، این دو کودک و کسی که در بستر آرمیده است، در رستاخیز در یک جایگاه خواهیم بود.

ای علی! هرگاه میان دو کس قضاوت می کنی به نفع اولی قضاوت نکن جز آنکه سخن دومی را شنیده باشی.

قاضی را از سخن گفتن پیش از شنیدن سخنان هر دو طرف باز می داشت.

عفو

- سیره نویسان نوشته اند: در هر مجلسی به عفو دیگران فرمان می داد.
- به همه سفارش می کرد: همدیگر را ببخشید تا کینه هایتان از میان برخیزد.

فروتنی

- هرگاه سواره ره می سپرد ،اجازه نمی داد کسی پیاده همراهش بیاید. می خواست او نیز سوار شود. اگر نمی پذیرفت می فرمود: جلوتر برو و در جایی که می خواهی منتظر باش. من نزد تو می آیم.
- می فرمود: کسی فروتنی نکرد، جز آنکه خداوند او را بالا برد.

فعالیت های اقتصادی

الف) تشویق

- شیوه اش آن بود که خرمای نخلستان (بنی نضیر) را می فروخت و غذای یکسال خانواده اش را ذخیره می کرد.
- با همه تشویق هایش به فعالیت اقتصادی و کسب درآمد ، همواره گمذ نکردن راه درست اقتصادی و آلوده نشدن به حرام را فراچشم و گوش مسلمانان قرار می داد و می فرمود: کسی که از پذیرفته شدن نیایش هایش شاد می شود، باید راه درآمدش را پاکیزه سازد.
- تعویض بی دلیل و از روی احساسات مشاغل را خوش نمی داشت و می فرمود: کسی که روزی اش را در چیزی یا کاری قرار داده اند ، تا ناگزیر نشده آن را عوض نکند.
- گوسفندان و شتر شیردهی داشت که خود و خانواده اش از آن ها تغذیه می کردند.

ب) آداب

- هر کسی که برای امت من یک شب آرزوی گرانی کند، خداوند چهل سال عبادت او را باطل می کند.
- صبح زود در جست و جوی درآمد و نیازهای خود بروید؛ زیرا صبح خیزی ، مایه برکت و رستگاری است.
- کسی که از دسترنج خود بخورد، پروردگار با مهربانی به او می نگرد و هرگز عذابش نمی کند.

ج) دامداری

- برترین سرمایه را گوسفندداری می دانست.
- خودش گله ای از صد گوسفند داشت که نمی خواست از آن تعداد بیشتر شوند . از همین روی، هرگاه بره ای متولد می شد، گوسفندی را برای بینوایان یا تغذیه خود و خانواده اش سر می برید.

د) کشاورزی

- می فرمود : روزی را در نهان زمین بجویند.
- از او پرسیدند: چه ثروتی بهتر است؟
- فرمود: کشته ای که صاحبش آن را بکار د ، سامان دهد و روز درو، حقش (زکات آن) را پرداخت کند.

کار

- می فرمود: هرگز کسی غذایی بهتر از دسترنج خود نخورد.
- زمان ساختن مسجد مدینه، خشت ها را حمل می کرد.
- می فرمود: هفت چیز است که پاداش آن مرگ آدمی هنگامی که در گور است همچنان ادامه دارد: این که... یا جویباری جاری سازد، یا چاهی بکند، یا نهالی بکار د.

کیفیت مداری

- خود چون کاری می کرد ، آن را درست انجام می داد.
- بهترین مردمان کسی است که هنگام انجام کاری همه ی کوشش خد را به کار گیرد.

لذت های روا

- به ازدواج فرمان می داد و از مجرد بودن به شدت نهی می کرد.
- از افراد می خواست در چارچوب دین از زندگی لذت ببرند و به آنان می گفت: آرزوی مرگ مکنید.
- بازی در سه چیز رواست: اسب را تربیت کنی، با کمان خود تیراندازی کنی، و با همسرت شوخی و عشق بازی کنی.

الف) تفریح

- می فرمود: گاهی دل های خود را آسایش دهید.
- حضرت بازی های روای افراد را می دید و مانع نمی شد.
- به باغستان دوستانش می رفت.
- به یارانش سفارش می کرد: تفریح و بازی کنید، همانا من دوست ندارم که در دین شما خشونت دیده شود.

ب) مسابقات ورزشی

- امام سجاد (ع) فرمود: رسول خدا مسابقه ی اسب دوانی بر پا کرد و جایزه برنده را ظرفی نقره ای قرار داد.

میانه روی و اعتدال

- امام علی(ع) در توصیف حق طلبی و حق گویی آن انسان کامل می فرماید: در بیان و اجرای حق کوتاهی نمی کرد و پا از آن نیز فراتر نمی نهاد.
- چه نیک است میانه روی در عبادت.

نظم

الف) مدیریت زمان

- در ساعت معینی از شبانه روز به همسرانش سر می زد.
- چون به خانه می رفت ، وقتش را به سه قسمت تقسیم می کرد: بخشی برای پروردگار والا، قسمتی برای خانواده اش و پاره ای برای خودش، اما گاه آن ساعت را که به خود اختصاص داده بود، بین خود و مردم تقسیم می کرد.

ب) نامگذاری اشیا

- روشش آن بود که چارپایان ، اسلحه و چیزهایش را نامگذاری می کرد.
- نام پرچمش عقاب بود. شمشیر جنگی اش ذوالفغار نامیده می شد و شمشیرهای دیگرش «مخدم، رسوب و قضیب» نام داشتند. غلاف شمشیرش به نقره آراسته بود.

نیکوکاری

- امام علی (ع) فرمود: از نیکوکاری رسول خدا چنان که باید سپاسگذاری نمی شد؛ نیکی و خیر و برکت او از آن قریبش ، عرب و عجم بود. و چه کسی نیکوکارتر از فرستاده ی خداست ؟ همچنین از نیکوکاری ما اهل بیت نیز چنان که باید سپاسگذاری نمی شود. هم چنین از نیکی برگزیدگان دین باور نیز چنان که باید سپاس گذاری نمی شود.

فصل دوم

خدا

ایمان پذیری

- خود تندیس ایمان بود و قافله سالار دین باوری . می فرمود: دین باوری نیرومند در نزد خداوند از مومن ضعیف بهتر و محبوب تر است.
- سزاوار است در دین باور هشت ویژگی باشد: آرامش در آشوب ها؛ شکیبایی در ناگواری ها؛ سپاسگذاری در آسایش؛ قناعت به آنچه خدای والا روزی اش کرده؛ ستم نکردن بر دشمنان؛ تحمل نکردن بر دوستان؛ پیکرش از او در رنج و مردم از وی در آسایش باشند.
- کسی که دین باوری را بیازارد، خداوند را آزرده است ، و کسی که او را غمگین سازد، پروردگار را اندوهگین کرده است؛ و کسی که ناحق و ستمگرانه چنان بدو بنگرد که مومن بهراسد، آفریدگار او را در روز رستاخیز خواهد ترسانید.

خدا باوری

الف) تصویری از خدا

- پیامبر با ارائه چهره ی درستی از صفات خداوند، او را محبوب دل ها قرار می داد:
- افریدگار با حیا و بخشنده است؛ وقتی مردی دست های خود را به سوی او بلند می کند ، شرم دارد که آن را خالی و نومید بازگرداند.
- یزدان خوب است و خوبی را دوست دارد ؛ پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد؛ بزرگواری است و بزرگواری را دوست دارد.
- از پروردگار خواستم که حساب امت مرا در رستاخیز به من واگذارد تا پیش امت های دیگر رسوا نشوند؛ اما آفریدگار والا بر من چنین وحی فرستاد: ای محمد! خودم به حسابشان رسیدگی می کنم تا اگر لغزشی از آنان سر زده، از تو پوشیده دارم که نزد تو نیز رسوا نشوند.

ب) بازگشت به سوی خدا

می فرمود: آفریدگار از توبه ی بنده مومنش بیش از مردی شاد می شود که در سرزمینی مرگ آور فرود آمده است. توشه اش با اوست؛ غذایش و نوشیدنی اش. مرد می خوابد و هنگامی که بیدار می شود، در می یابد مرکب حامل توشه اش رفته است. به به جست و جو برمی خیزد تا جایی که تشنه می شود . با خویش می گوید: به همان جا برمی گردم و می خوابم تا مرگ مرا در یابد. سرش را بر بازویش می گذارد تا بمیرد . به خواب می رود . وقتی بیدار می شود ، توشه غذا و نوشیدنی اش را می یابد . آفریدگار ، از توبه ی بنده ی دین باورش، از شادمانی چنین کسی که توشه اش را یافته است بیشتر شادمان می شود.

روزه داری

- سه روز در ماه روزه می گرفت: اولین و آخرین پنج شنبه هر ماه و چهارشنبه نیمه ی هر ماه
- تمامی ماه شعبان را روزه می گرفت.
- چون رمضان فرا می رسید ، رنگ چهره اش دگرگون می گشت و نماز و نیایش بیشتر می شد.

قرآن خوانی

- جز جنابیت، هیچ چیزی او را از خواندن مداوم قرآن باز نمی داشت.
- شب ها تا سوره های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن را نمی خواند ، نمی خفت.
- جابر گفته است: شب تا سوره های تبارک و الم تنزیل را نمی خواند، نمی خفت.
- سوره اعلی را دوست می داشت.
- هنگام خواندن قرآن، صدایش را می کشید.
- با آوایی زیبا قرآن می خواند.

معاد اندیشی

الف) بهشت

- بهشت از بند کفشتان به شما نزدیک تر است.
- هر چیزی راهی دارد و راه ورود به بهشت ، دانش جویی و دانش گستری است.
- هر چیزی را کلیدی است و کلید بهشت، دوستی بینوایان است.

ب) دوزخ

- دوزخ از بند کفشتان به شما نزدیک تر است.
- هر اندوهی پایان می پذیرد ، جز غم دوزخیان.
- اگر به جهنمیان بگویند که به تعداد ریگ های دنیا در دوزخ خواهید ماند ، خوشحال می شوند؛ ... ولی آنان را جاودانه ساخته اند.
- آنچه مردم را بیش از هر چیز دیگر جهنمی می کند، دو چیز میان تهی است: دهان آدمی و شرمگاه زنان.

نمازگزار

- در مسافرت ، نمازهای مستحبی را سوار بر مرکب می خواند و چون وقت نماز واجب می رسید پیاده می شد و رو به قبله نماز می گزارد.
- راوی می گوید: به حضور پیامبر رفته و آن حضرت در حال نماز بود، و آوای گریستن او ، همچون آوای جوشیدن دیگ بود.
- دو برابر نمازهای واجب، نماز مستحبی می خواند.
- رکوع ها و سجده ها را طولانی می کرد.

- در نماز بسم الله را بلند تلاوت می فرمود.
- نماز را نور چشم خود می دانست.
- به کسانی را که از او می خواستند راهی را نشان دهد تا طعم شهد عبادت را بچشند ، می فرمود: هر مسلمانی که چشمش برای اولین بار به زنی افتد، سپس پلک هایش را بر هم نهد، یزدان والا او را با عبادتی انس دهد که لذت آن را در قلبش حس کند.

نیایش

- هنگام نیایش همان گونه دستان خویش را بالا می برد و می گشود که مسکینان می کنند.
- پس از دعا دستانش را به چهره اش می کشید.
- وقتی صدای موذن را می شنید ، اذان را با او تکرار می کرد.
- می فرمود: یاد خدا هم نشین من است.
- هماره از پروردگار می خواست تا وی را به ارزش های اخلاقی بیاراید و اخلاقش نیکو شود.
- پروردگار! از تنبلی، پیری، گناه، بدهکاری، فتنه ی ثروت و آفت بینوایی به تو پناه می برم.

فصل سوم

دیگران

آیین نبرد

الف) آداب

- از ریختن سم در سرزمین مشرکان جلوگیری می کرد.
- امام صادق(ع) می فرمود: پیامبر هرگز به دشمنی شبیخون نزد.
- در اسلام مستحب است تا ستمگران جنگ را آغاز نکرده اند، سپاه اسلام آن را شروع نکند.
- هرگاه می خواست سپاهی اعزام کند، آنان را صبح زود می فرستاد.
- انس می گوید: در نبرد خیبر، شب هنگام به مقصد رسید. شبوه اش؛ آن بود که شبیخون نمی زد. صبح یهودیان با بیل و سید های میوه شان از قلعه بیرون آمدند. چون چشمشان به پیامبر افتاد، گفتند: قسم به خداوند این محمد است.
- پیک ها را نمی کشت. گرچه از نظر فکری منحرف بودند . سلمه، پسر نعیم ، از پدرش نقل می کند : وقتی پیک ها نامه ی مسیلمه ی کذاب (آن پیغمبر دروغین) را بر ایشان خواندند ، حضرت از آنان پرسید: نظر شما درباره ی پیامبری مسیلمه چیست؟گفتند: ما نیز سخن او را می گوئیم. پیامبر فرمود: اگر نه این بود که پیک ها را نباید کشت، گردن شما را به خاطر مرتد شدن می زنم.
- دوست داشت جنگ در نیم روز آغاز شود.

- امام علی(ع) می فرماید: رسول خدا می خواست مرا برای نبرد به سوی یمن بفرستد . فرمود: ای علی! تا کسی را به اسلام فرا نخوانده ای ، با او جنگ نکن. سوگند به آفریدگار ، اگر پروردگار والا به دست تو کسی را هدایت کند ، برایت از آنچه خورشید بر آن می تابد ، بهتر است.
- ام هانی می گوید: در نبردی دو نفر از بستگان شوهرم را امان دادم. پیامبر فرمود: ما نیز به کسانی که تو امان داده ای ، امان داده ایم.

ب) حفظ آمادگی نظامی

- خداوند با تیر ، سه نفر را به بهشت می برد: کسی که تیر را می سازد و هدف نیکی دارد. تیر انداز . و فردی که پیکان را به تیر انداز دهد.
- تیر اندازی ، بهترین تفریح شماس است.
- به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید.
- کسی که تیر اندازی را فرا می گیرد و سپس آن را ترک می کند ، کفران نعمت کرده است.

ج) صلح طلبی

- امام علی(ع) می فرماید: رسول خدا به من پیمانی داد که در آن آمده است: اگر دشمن تو را به آشتی دعوت کرد ، او را رد نکن، زیرا آرامش سپاهیان ، آسودگی پس از رنج های دوران جنگ و آرامش سرزمین ها در صلح است.

خدمات اجتماعی

- می فرمود: خداوند بندگانی دارد که آنان را برای رفع نیاز مردمان آفریده است. مردمان به آنها پناه می آورند و آنان در روز رستخیز از عذاب خداوندی در امان اند.
- کسی که بشنود مردی فریاد می زند: (ای مسلمانان!) و پاسخش را ندهد ، مسلمان نیست.
- کسی که سنگی را از سر راه بردارد، برایش پاداش در نظر گرفته می شود.
- شخصی که برای رفع نیاز دنیوی آسیب دیده ای با وی همراه شود، پروردگار ضمانت می دهد که او را از دورویی و آتش دوزخ برهاند و نیز هفتاد نیاز این جهان او را تامین می کند و همچنان غوطه ور در لطف خداوند والاست تا برگردد.

رفتار

- به هر کسی می رسید ، بزرگ و کودک پیش از او سلام می کرد.
- می فرمود: سلام، نامی از نام های خداوند است، پس آن را میان خودتان بپراکنید؛ هرگاه مسلمانان به عده ای سلام کند ، اگر آنان پاسخش را ندهند، کسی که بهتر و پاکیزه تر از آن هاست، جوابش را می گوید.
- پاسخ نیکی را با نیکی، و پاسخ بدی را نیز با نیکی می داد.
- با مهربانی و حوصله بسیار، اشتباه دیگران را اصلاح میکرد: معاویه ، پسر حکم سلمی می گوید: هنگامی که با رسول خدا مشغول نماز بودم، مردی عطسه کرد. گفتم : خدایت بیامرزد! دیگر نمازگزاران با نگاهشان برابم خط و نشان کشیدند. گفتم : گویا مادرم مرده است! چکار دارید مرا این طور نگاه می کنید ؟ مامومین ، دستانشان را بر ران هایشان زدند. چون دیدم با این کارشان مرا به سکوت دعوت می کنند. ساکت شدم. هنگامی که نماز تمام شد پیامبر مرا خواست . پدر و مادرم فدایش باد! چنین آموزگاری که به خوبی آموزش دهد نه پیش از آن دیدم و نه پس از آن. سوگند به

خداوند، نه بر سرم فریاد کشید و نه کتکم زد و نه دشنام داد. فرمود: در نماز نباید حرف زد؛ نماز، نیایش کردن، تکبیر گفتن و قرآن خواندن است!

- با ثروتمند و بینوا به هیچ تبعیضی دست می داد.
- با خود خلوت کردن را دوست می داشت.
- کسی که او را می دید می گفت: نه پیش از آن و نه بعد از آن، کسی همانند او را ندیدم.

سخن گفتن

- چنان شمرده سخن می گفت که شنونده می توانست واژگانش را بشمارد.
- از فشرده گوترین انسان ها بود، اما در عین ایجاز، تمامی آنچه را که می خواست بگوید بیان می کرد. نه زیاده گویی داشت و نه ناقص گویی. جمله هایش پی در پی بود و میان آنها لحظه ای خاموش می ماند تا شنونده سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.
- شیرین سخن ترین و شیوا گوترین مردمان بودو می فرمود: من فصیح ترین عربم، و بهشتیان به زبان محمد (ص) سخن می گویند. می فرمود: من زبان آورترین فرد عربم.
- جز به ضرورت سخن نمی گفت و می فرمود: از نشانه های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده اندک سخن گوید.
- اگر می خواست هنگام صحبت قسمی بخورد، می فرمود: سوگند به کسی که جان ابوالقاسم در دست اوست.
- اگر می خواست فرماندهی را به جایی بفرستد، به او می گفت: سخنانت را کوتاه کن؛ برخی از سخنان در تاثیر گذاری بسان جادویند.
- به پرگوییان هشدار می داد: هر که گفتارش بسیار باشد، اشتباهاتش بسیار شود، و کسی که اشتباهاتش زیاد باشد، گناهانش بسیار شود، و هر که گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای او شایسته تر است.
- هنگام حرف زدن، حرکات دست را به کمک می گرفت.
- هیچ گاه با نهایت مرتبه ی عقل و فهم خویش با کسی سخن نگفت و می فرمود: ما پیامبران، ماموریم که با مردم به اندازه ی درک و فهم آنان با آنها سخن گوئیم.
- من ضامن خانه ای در بالای بهشت، خانه ای در میانه ی بهشت و خانه ای در ورودی بهشت برای کسی هستم که ستیزه جویی گفتاری را رها کند، گرچه برحق باشد.
- بنده به اوج ایمان نمی رسد، جز آنکه زبان خویش را نگه دارد.
- پایان خطا به اش استغفار بود.

شوخی

- حسین، پسر زید، می گوید از امام باقر(ع) پرسیدم: آیا پیامبر شوخی هم می کرد؟ فرمود: از مهربانی او به پیروانش آن بود که با آنان شوخی می کرد تا بزرگی اش چنان برای آنها جلوه نکند که بدو ننگرند.
- امام صادق (ع) نیز هدف شوخی حضرت را شاد کردن مخاطب بیان می کند، نه ریشخند و تحقیر کردن دیگران برای زبان آوری و گرم کردن مجلس.

قانون مداری

- کسی که وساطت او مانع از اجرای حدی شود، در معرض خشم یزدان است تا از این کار خویش دست کشد.

گشاده دستی

- گشاده دست ترین مردمان بود، به ویژه در ماه مبارک که به تعبیر امام علی(ع) چون نسیمی جاری بود که چیزی در کف او نمی ماند.
- هر چیزی برای جلب افراد به اسلام از او خواسته می شد ، می داد.
- هفتاد در هم برایش آوردند. آن را بر حصیر نهاد. سپس به تقسیمش پرداخت و همه را میان نیازمندان تقسیم کرد.
- مردی نزدش آمد و چیزی خواست، فرمود: چیزی ندارم ، اما به حساب من هر چیزی نیاز داری بخرع پول دستان آمد به جای تو می پردازم. عمر گفت: ای رسول خدا، خداوند مجبورت نکرده چیزی را که نداریم برعهده گیری. پیامبر از سخن عمر خوشش نیامد. مرد نیازمند هم گفت: بپرداز و نترس... . پیامبر خندید. شادمانی از چهره اش معلوم بود.
- می فرمود : اگر به اندازه کوه احد طلا می داشتم. آنچه مرا شاد می کرد این بود که سه شبانه روز بر من نگذرد جز آنکه چیزی از آن کوه طلا نزد من نماند مگر اندکی که آن را برای پیشرفت دین نگه دارم.
- می فرمود: گشاده دست ، به خداوند، مردم و بهشت نزدیک است، و تنگ چشم، از پروردگار و مردم و بهشت دور و به دوزخ نزدیک است.

گشاده رویی

- گشاده رویی را از عوامل تثبیت و تحکیم دوستی میان انسان ها می دانست و می فرمود: همانا آفریدگار از کسی که با دوستانش با چهره ای اخم آلود رویه رو شود نفرت دارد.
- مردی نزدش آمد و از او پندی خواست. در یکی از اندرزهایش به او فرمود: با دوستت با سیمایی گشاده رو به رو شو.
- می فرمود: گشاده رویی ، کینه را می برد.

مجلس

- هرگاه با مردم می نشست، در موضوع صحبت شان مشارکت می کرد. اگر درباره جهان واپسین یا این جهان سخن می گفتند، با آنان همسخن می شد. اگر درباره غذا یا نوشیدنی حرف می زدند با فروتنی و صمیمیت در صحبت شان شرکت می کرد.
- می فرمود: سخنانی که در مجالس رد و بدل می شود امانت است ، مگر سه مجلس:
 - 1- مجلسی که در آن تصمیم به ریختن ناحق خون کسی گرفته شود
 - 2- محفلی که در آن تصمیم به تجاوز گرفته شود.
 - 3- نشستی که در آن تصمیم به حلال شمردن و تصرف عدوانی مال دیگری گرفته شود.
- هم نشینانش در حضور او بگو مگو نمی کردند.
- تنها در مسجد نشسته بود. مردی وارد مسجد شد. حضرت بخاطر او خود را جابه جا کرد و فرمود: حق مسلمان بر مسلمان آن است که چون خواست بنشیند، دوستش برایش جا باز کند.
- در مجلسش صداها بلند نمی شد و از کسی بدگویی نمی شد .
- اصحاب در حضورش حرف همدیگر را قطع نمی کردند. خوش مجلس بود.

مشورت پذیری

- با این که خود پیامبر بود و کامل ترین خردمند، مشورت پذیری اش درسی بود برای همه ی خردمندان.
- ابو هریره می گوید: کسی را ندیدم که بیشتر از پیامبر با دوستانش مشورت کند.
- می فرمود: هیچ پشتیبانی نیکوتر از مشورت نیست.
- نه کسی از مشورت بدبخت شده و نه خود را خوشبخت.

هدیه

- هرگاه در جمع به او هدیه می دادند، به اطرافیان می فرمود: شما در این هدیه سهم دارید.
- هدیه را می پذیرفت گرچه جرعه ای شیر بود، و آن را جبران می کرد.
- از یارانش می خواست هدیه را رد نکنند، و آن را کوچک نشمارند، گرچه پاچه ی بزی باشد.

همزیستی

الف) اسیران

سهیل بن عمرو، از بزرگترین سخنرانان قریش و دشمن اسلام و پیامبر بود؛ فردی زبان آور و دشنام گو. او در جنگ بدر اسیر شد. عمر، پسر خطاب به حضرت گفت: اجازه بده چهار دندان پیشین او – دو دندان پایین و دو دندان بالا – را بکنم تا هرگز نتواند سخنرانی کند! حضرت فرمود: او را شکنجه نمی کنم؛ زیرا خداوند نیز مرا چنین شکنجه خواهد کرد، گرچه پیامبر باشم.

ب) اقلیت های مذهبی

- امام علی(ع) پیامبر را چنین توصیف میکند: هرگز ستمی بر مسلمان و کافری روا نداشت؛ بلکه خود مورد ستم واقع شد، اما ستمگران را بخشید.
- رابطه اش با اقلیت های دینی چنان نیکو بود که چشم از جهان فرو بست، در حالی که زرهش - به خاطر قرض گرفتن بیست صاع غذا برای خانواده اش - در گروه یک یهودی بود.
- همسایه یهودی داشت که بیمار شد. پیامبر خود به عیادتش رفت.

پ) بانوان

احترام به آنان

- به بانوان سلام می کرد و آنها پاسخش را می دادند.
- هیچ زنی را نفرین نکرد.
- کسی جز بزرگوار، زنان را گرامی نمی دارد و کسی جز فرومایه به آنان توهین نمی کند.

حضور در صحنه های اجتماعی

- ربیع، دختر معوذ انصاری می گوید: در کنار پیامبر می جنگیدیم. مردمان را سیراب می کردیم و زخمی ها را مداوا. کشتگان را به شهر بر می گرداندیم.
- ام عطیه می گوید: هفت جنگ در کنار پیامبر بودم. پشت سر مسلمانان حرکت می کردم. برایشان غذا می پختم. مجروحان را مداوا و از بیماران مراقبت می کردم.
- انس می گوید: بانوان آب می آوردند و مجروحان را مداوا می کردند.
- بیعت بانوان با رسول خدا در روز عید فطر و همچنین بیعتشان در روز فتح مکه، نشان حضور آنان در عرصه های گوناگون است.

رشد علمی

روزی بانویی نزدش آمد و گفت:

ای فرستاده خدا! مردان از سخنانت بهره مند می شوند. برای ما روزی معین کن که نزدت بیاییم تا آنچه را که از خدایت آموخته ای به ما بیاموزی. حضرت فرمود: در فلان روز و فلان جا گرد هم می آید. پس در روز موعود گرد آمدند و رسول خدا از مطالب وحیانی به آنان آموخت.

ت) بردگان

- غذا و پوشاکش برتر از غذا و پوشاک بردگانش نبود.
- می فرمود: هرگاه یکی از شما زنی برده میخرد، باید نخستین چیزی که آن می خوراند عسل باشد.
- چهار ویژگی است که اگر در کسی باشد، آفریدگار برایش خانه ای در بهشت می سازد: ... مهربانی به برده.

ث) بیماران

- بیماران را به خوردن و آشامیدن مجبور نمی کرد و دستور می داد چنین نکنند.
- از بیمار در دورترین بخش شهر عیادت می کرد، گرچه بیماری اش چشم درد بود.
- از همه ی عبادت ها بهتر و پر پاداش تر آن است که وقتی به عیادت می روی زود تر از نزد بیمار برخیزی.
- آفریدگار در روز رستخیز می گوید: ای آدمیزاد! بیمار شدم. مرا عیادت نکردی. آدمی گوید: خدایا چگونه تو را که پروردگار جهانیانی عیادت کنم؟ یزدان پاسخ می دهد: مگر نمی دانستی که فلان بنده ام بیمار بود و او را عیادت نکردی؟ مگر نمی دانستی که اگر او را عیادت می کردی، مرا نزد او می یافتی؟... از آن که تو را عیادت نمی کند، عیادت کن.

ج) بیوگان

- در نزد من، بر آوردن نیاز بیوه و یتیم از سی هزار رکعت نماز مستحبی محبوب تر است.
- سه چیز را نباید به تاخیر افکند... و شوهر دادن بیوه، هنگامی که همسری همتا یافت.

ج) جوانان

- می فرمود: مرا جوانان یاری کردند.
- برتری جوان نیایش گری که جوانی اش را عبادت کرده، بر پیری که پس از بالا رفتن سنش عابد شده، بسان برتری پیامبران است بر مردم عادی.
- در نزد پیامبر چیزی محبوب تر از جوان توبه گر نیست.
- در نزد پیامبر جوان گشاده دست مهربان، از عابد پیر تنگ چشم بد اخلاق محبوب تر است.

ح) خانواده

- دو رکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از هشتاد و دو رکعت نماز انسان بیهمسر است.
- پیامبر هماره به تشکیل خانواده تشویق می کرد و مردمان را از بی همسری بیم می داد و می فرمود: بیشتر دوزخیان بی همسرانند.

خ) اهمیت همسر شایسته

- آدمی، پس از ایمان به خداوند، به چیزی برتر از همسری همدل دست نمی یابد.
- در سخنی دیگر، از بانوی شایسته، نه به عنوان گنج ع بلکه بهترین گنجینه نام برده است: ایا شما را از بهترین گنجینه آگاه کنم؟ زنی شایسته...

د) رشد دادن یکدیگر

خداوند بیامرزد مردی را که نیمه شب برمی خیزد و نماز شب می خواند و همسرش را بیدار می کند و اگر زنش بر نمی خیزد مهربانانه به صورتش آب می پاشد؛ پروردگار بیامرزد زنی را که شب برمی خیزد و نماز شب می خواند و شوهرش را بیدار می کند.

ذ) آقایان

احترام و مهر ورزی

- به مردان سفارش کرده: کسی که همسری گرفته است، باید او را گرمی بدارد.
- جبرئیل آنقدر سفارش زنان را کرد که گمان کردم طلاق دادن آنان حرام است.
- پیامبر محبت به زنان و چشم پوشی از اشتباهات آن ها را مستحب برشمرد.
- بهترین شما، کسانی هستند که برای زنان خود بهترین شوهر باشند. و من از همه ی شما برای خانواده ام بهترم.
- هر مردی که با زبانش زنش را بیازارد، پروردگار نه انفاقش در راه خدا را می پذیرد و نه نماز مستحبی اش را، تا زنش را خرسند کند، و اگر آن مرد روز ها روزه گیرد و شب ها به نماز برخیزد؛ باز هم نخستین کسی خواهد بود که به دوزخ می رود.

کتک نزدن همسر

- از مردی در شگفتم که همسرش را می زند، در حالی که او بخاطر این ناشایست به کتک خوردن سزاوارتر است.
- هر مردی که به همسرش سیلی زند، آفریدگار بلند پایه در روز رستاخیز به کلید دار دوزخ فرمان می دهد که هفتاد سیلی داغ از آتش جهنم به او بزند.
- همسرانتان را با چوب کتک نزنید که قصاص دارد.

رعایت عفاف

- بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی کند، جز آنکه سومین نفر آن جمع شیطان است.
- به مردان توصیه می کرد: پاکدامن باشید تا زنان شما پاکدامن باشند.
- مردی با زن نامحرم شوخی کند، پروردگار به خاطر هر واژه، هزار سال زندانی اش می کند.

تامین جنسی

- آمیزش با همسر را هنگامی که او میل به این کار دارد، مستحب برشمرد.
- شتاب نکردن در آمیزش جنسی و حوصله به خرج دادن را مستحب اعلام کرد.
- هنگامی که ابوذر از ایشان در این باره پرسید، بدو فرمود: با همسرت در آمیز و پاداش بگیر. ابوذر شگفت زده پرسید: آمیزش کنم و پاداش بگیرم؟ چگونه؟ پیامبر فرمود: همان گونه که اگر از راه حرام به این کار دست می زدی گنهکار بودی، هرگاه از راه حلال در آمیزی پاداش می گیری.

تامین اقتصادی

- ملعون است کسی که افراد تحت سرپرستی خود را رها سازد.
- در بهشت مقامی است که جز سه تن به آن نرسند: ... و یکی از آنها کسی است که نانخورهایی دارد و صبور است.
- امام علی پرسید: صبوری این صاحب خانوار یعنی چه؟ اینکه بر افراد تحت سرپرستی اش به خاطر خرج هایی که می کنند منت نمی گذارد.

کار در خانه

- به مردان می فرمود: خدمت به همسرانتان، صدقه بشمار می آید.

پرداخت مهریه

- کسی که زنی را بگیرد و در اندیشه اش قصد پرداخت مهریه نداشته باشد، هنگام مرگ به سان زناکاران می میرد.
- کسی که به زنی زیان رساند تا بدان جا که زن گوید:مهرم حلال جانم آزاد،پروردگار برای آن مرد به مجازاتی کمتر از دوزخ راضی نخواهد شد.

ر) خانم ها

خانه، چشمه آرامش

- هر زنی که برای انجام کار خانه برخیزد و برای همسرش نان بپزد و گرمای آتش آزارش دهد، آفریدگار آتش را بر او حرام کند.

منزلت شوهر

- در پایان نبرد احد به حمنه ، دختر جش گفتند: برادرت کشته شد. گفت:خدایش بیامزد. همه ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم.
- گفتند: شوهرت مرده.گفت: دریغا! پیامبر با دیدن این صحنه فرمود: مرد در دل زنش جایگاهی دارد که چیزی با آن برابری نمی کند.

زنان برتر

- بهترین زنان شما زن خوشبو برای شوهر است و زنی که آسپز خوبی باشد.
- بهترین زنان شما کسی است که مهریه اش کمتر است.

بدترین زنان

- همواره در نیایش خود میگفت: خدایا به تو پناه میبرم از زنی که پیش از پیری طبیعی مرا پیر کند.
- بدترین زنان شما زنی است کم حیا، ترشرو، زبان دراز و بد دهن
- هر زنی که به ناحق با شوهرش با شوهرش قهر کند، در رستاخیز با فرعون و هامان در ژرفای دوزخ به سر خواهد برد، مگر آن که توبه کند و برگردد.

خشم نگرفتن بر شوهر

- می فرمود: بهترین زنان، زنی است که برای همسرش بهترین زن باشد.
- زن کم خرج با برکت ترین زن است.
- هیچ زنی نیست که بی جا خشمگینانه به همسرش بنگرد،جز آنکه روز رستاخیز خاکستر آتش دوزخ را بر چشمانش سرمه کشند.

س)خویشاوندان

- بر دسته شمشرش نوشته شده بود با کسی که پیوند خویشاوندی را از تو گسسته است، بپیوند...
- با خویشاوندان خود می پیوست، بی آن که آنان را بی جهت بر دیگران برتری دهد.
- در سخنی می فرمود: از غیر خویشاوند همسر برگزینید تا فرزندان رنجور نشود.

ش) خدمتکاران

- پیامبر(ص) هیچ خدمتکاری را نفرین نکرد.
- هرگز در اعتراض به خدمتکارانش اه نیز نگفت.
- می فرمود: غذا خوردن با خدمتکاران نشانه فروتنی است.

ط) دشمنان

- اگر بدترین مردمان با آن حضرت سخن می گفتند، او به آنان رو میکرد ، با تمام وجود به سخنانش گوش فرا می داد و با این کار از آنان دلجویی می کرد.
- همواره می فرمود: از ویژگی های دین باور آن است که به دشمنش نیز ستم نکند.

ظ) دوستان

- به باغ های دوستانش می رفت.
- می فرمود: همنشینی با آن کس سودی ندارد که آنچه را که برای خود می خواهد برای تو نمی خواهد.
- چون با دوستانش برخورد می کرد، دستانشان را می گرفت و می فشرد.

ع) فرزندان

- چون صبح می شد بر سر فرزندان و نوه هایش دست مهر می کشید.
- می فرمود: هر درختی میوه ای دارد ؛ و میوه ی دل ، فرزند است.
- بوی فرزند از بوهای بهشت است، فرزندان را زیاد ببوسید.

غ) کودکان و نوجوانان

- با حفظ شخصیت کودکان، بیشترین شوخی را با آنان می کرد.
- مهربانی با کودکان ، شیوه و روش رسول خدا بود.
- به والدین سفارش می کرد: با فرزندان به عدالت رفتار کنید، همانگونه که دوست دارید با شما به عدالت و مهربانی و نیکی رفتار شود.
- زمانی که به خردسالان وعده ای دادید، بدان وفا کنید . آنان شما را روزی ده خود می پندارند.

ک) کهنسالان

- می فرمود: احترام به پیر مرد و پیر زن مسلمان ، بزرگداشت خداوند است.
- خانواده هارا به احترام پیران فرا می خواند و می فرمود: کهنسال در میان خاندانش ، بسان پیامبر در میان امتش است.
- از ما نیست کسی که کهنسالان ما را احترام نکند.
- برکت با بزرگان شماست.

ه) مردم

- از همه کس مهربان تر و دلسوز تر به مردم بود.
- خود می فرمود: همانا برای شما به سان پدر برای فرزندان خود هستم.
- با مردم انس می گرفت و بی دلیل آنها را از خود نمی راند... از خود مردم حالشان را می رسید.
- از انسان های خشن و بی عاطفه رنج می کشید و می فرمود: کسی که به مردم رحم نکند ، خداوند به او رحم نخواهد کرد.
- به آنچه در روی زمین است ، مهربانی کنید تا آن که در آسمان هاست به شما رحم کند.
- بهترین کارها پس از ایمان به خداوند ، مهربانی با مردم است.
- کسی که از مردم تشکر نکند از خدا تشکر نکرده است.

- بدترین مردم: کسی است که بخاطر تنفر از میهمان، تنهایی غذا می خورد و بخشش خود را دریغ می دارد و برده اش را کتک می زند و به خیرش امیدوار و از شرش در امان نیست.
- بدترین مردمان کسی است که مردم از هراس بد دهنی اش به او احترام کنند.
- بهترین مردم: کسی است که قرآن بهتر خواند و در کار دین داناتر باشد و از خدا بیشتر بیم داشته باشد و به نیکی بیشتر فرمان دهد و از بدی بیشتر جلوگیری کند و بهترین مردم کسی است که سودمندترین کس برای مردم باشد.
- از اموال مردم چشم پپوش تا تو را دوست داشته باشند.
- ارجمندترین مردم کسی است که در آنچه به وی مربوط نیست دخالت نکند.
- کسی که رابطه اش با خداوند نیکو باشد، یزدان رابطه ی وی با مردم را سامان می بخشد.

ی) مهمانان

- مهمان را گرمی می داشت و می فرمود: یکی از حقوق مهمان بر میزبان آن است که با او تا دم در برود.
- می فرمود: در کسی که مهمانی نمی دهد خیری نیست.

وفای به عهد

- امام رضا فرمود: ما خاندانی هستیم که وعده ای را که می دهیم به سان بدهی می دانیم و باید به آن وفا کنیم؛ همچنان که رسول خدا چنین میکرد.
- وعده دادن به سان وام به عهده گرفتن است؛ وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند. وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند. وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند.

فصل چهارم

طبیعت

حیوانات

- حضرت مردم را از به جان هم انداختن جانداران باز می داشت.
- از نخستین کسانی در جهان بود که احترام به حیوانات را مطرح می کرد: کسی که چارپایی می گیرد، باید آن را گرمی بدارد.
- همچنین هر کسی را که اعضای حیوان را ببرد، نفرین کرده است.
- نهی فرمود که سه نفر بر یک مرکب سوار شوند.
- چارپا بر صاحبش حقوق و بهره ها دارد:
- هنگامی که فرود می آید، ابتدا او را علف بدهد.

- از آبی می گذرد، آب را بر او عرضه کند.
 - بر صورتش نزد، چرا که او هم خدایش را به پاکی یاد می کند.
 - بیش از توانش بر او بار نکند.
- پشت چارپایان را جای نشستن خود برای گفتگو قرار ندهید؛ چه بسیار مرکبی که از سوار خود بهتر و به پروردگار مطیع تر است و ذکر خدا بیشتر می گوید.
 - اجازه نمی داد برای کشتن حیوان، او را از جای مرتفعی پرتاب کنند.
 - کشتن حیوان با چیزی غیر از آهن را اجازه نمی داد.
 - دستور داده بود پیش از جان دادن کامل و آرام گرفتن حیوان حلال گوشت که ذبح شده است، سرش را یکباره قطع نکنند و پوستش را نکنند.

درختکاری و باغداری

- آب پاشی به ریشه های درخت هنگام کاشتن و پیش از ریختن خاک را مستحب برشمرد.
- اگر قیامت دارد برپا می شود و در دست یکی از شما نهالی است، اگر فرصت کاشتن آن را دارد، باید آن را بکارد.
- ابی سعید خدری از ایشان نقل کرده است: کسی که در درخت طلحه یا سدري را آب دهد، گویا دین باور تشنه ای را سیراب کرده است.
- حضرت هسته ی خرما را مرطوب می کرد و می کاشت.

گل

- برترین رستنی ها را گل سرخ و بنفشه می دانست.
- فرمود: که عطر حورالعین بوی آسه است و فرشتگان بوی گل سرخ می دهند.
- می فرمود: کسی که می خواهد بوی خوش مرا استشمام کند، گل سرخ را ببوید.
- می فرمود: هرگاه به یکی از شما گلی دادند، پس آن را ببوید و بر چشمانش گذارد، که آن از بهشت است. و هرگاه به شما گلی هدیه دادند، آن را رد نکنید.
- بر شما باد به مرزنگوش. آن را ببوید که برای بهبود گرفتگی بینی خوب است.

سخن آخر

و این چکیده تنها، روایتی بود از آن بهار؛ آیا هیچ گاه می توان بهار را در روایت گنجانید؟

و اکنون که روایت بهار را خوانده ایم، آیا از خویشتن خویش می پرسیم:

چرا با چنان بهاری، چنین سراپا خزان زده ایم؟!

Maraghehnaahad.ir

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه مراغه